

**Original Article**

**Comparison of Foundations of Bioethics from the Perspective of Monotheistic and Non-Monotheistic Religions**

**Hossein Bagheri<sup>1</sup>**

1. Assistant Professor in Department of Islamic Sciences, Neka Branch, Islamic Azad University, Neka, Iran.  
Email: bagheri@iauneka.ac.ir

Received: 7 Mar 2018    Accepted: 11 Jun 2018

**Abstract**

**Background and Aim:** The scope of bioethics in addition to plants and animals includes human topics such as abortion, organ transplantation, palliative care, euthanasia, human simulation and biomedical researches. The aim of this study was to investigate the foundations of bioethics in monotheistic and non-monotheistic religions as well as the differentiations and commonalities in this field.

**Materials and Methods:** This comparative study was carried out in a library style. After purposeful searching of resources in both manual and electronic methods, the differentiations and commonalities of monotheistic and non-monotheistic religions in the field of ethical issues were compared and adapted.

**Findings:** Both monotheistic and non-monotheistic religions have accepted wisdom as a valid source of inference, with the difference that monotheistic religions have accepted the criterion of revelation-based reasoning, but non-monotheistic religions have accepted wisdom as an independent source of discernment. Both of them adhere to the values of truthfulness and loyalty and disrespects abortion and euthanasia, which are rooted in human nature. Attention to the human dignity and rights also close these two, although there are some fundamental differences in some principles, such as attitudes to the creation philosophy of man, his dimensions of existence and life after death.

**Conclusion:** Ethical decision-making on issues such as abortion, euthanasia and surrogacy have been linked to the religious beliefs of patients and community culture. Given the fundamental differences in the underlying foundations, it is recommended that ethical decision-making criteria be established in religious communities.

**Keywords:** Bioethics; Religion; Monotheistic; Non-Monotheistic

**Please cite this article as:** Bagheri H. Comparison of Foundations of Bioethics from the Perspective of Monotheistic and Non-Monotheistic Religions. *Bioethics Journal* 2018; 8(28): 79-92.

## مقایسه مبانی اخلاق زیستی از منظر ادیان توحیدی و غیر توحیدی

حسین باقری<sup>۱</sup>

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد نکا، دانشگاه آزاد اسلامی، نکا، ایران. Email: bagheri@iauneka.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۶ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۱

### چکیده

**زمینه و هدف:** گستره اخلاق زیستی علاوه بر گیاهان و حیوانات، موضوعاتی همچون سقط جنین، پیوند اعضا، مراقبت تسکینی، قتل ترحم‌آمیز و شبیه‌سازی انسان و پژوهش‌های زیست‌پزشکی را دربر می‌گیرد. این مطالعه با هدف بررسی مبانی اخلاق زیستی در ادیان توحیدی و غیر توحیدی و نیز وجوه افتراق و اشتراک در این زمینه انجام شده است.

**مواد و روش‌ها:** این مطالعه تطبیقی به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است. پس از جستجوی هدفمند منابع به دو روش دستی و الکترونیک، وجوه اشتراک و افتراق ادیان توحیدی و غیر توحیدی در حوزه مسائل اخلاق زیستی مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفت.

**یافته‌ها:** ادیان توحیدی و غیر توحیدی، هر دو عقل را به عنوان یک منبع معتبر تشخیص پذیرفته‌اند، با این تفاوت که ادیان توحیدی عقل مبتنی بر وحی را ملاک تشخیص قرار می‌دهند و ادیان غیر توحیدی، عقل را به عنوان یک منبع مستقل در تشخیص روایی یا ناروایی اخلاق معتبر می‌دانند. از دیگر اشتراکات اخلاقی این ادیان، ارزشمند بودن راستگویی و وفاداری، مذموم بودن سقط جنین و قتل ترحم‌آمیز است که ریشه در فطرت انسانی دارد. توجه به کرامت ذاتی انسان و حقوق مبنای بشر نیز این دو را به هم نزدیک می‌کند، اگرچه در برخی مبانی، مانند نگرش به خلقت انسان و فلسفه و ابعاد وجودی وی، و زندگی پس از مرگ تفاوت‌های اساسی وجود دارد.

**نتیجه‌گیری:** تصمیم‌گیری اخلاقی در مورد موضوعاتی نظیر سقط جنین، قتل ترحم‌آمیز و رحم جایگزین به اعتقادات مذهبی بیماران و فرهنگ جامعه پیوند خورده است. نظر به وجود تفاوت‌های اساسی در مبانی پیش‌گفت، تعیین معیارهای تصمیم‌گیری اخلاقی در جوامع مذهبی توصیه می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** ادیان توحیدی؛ ادیان غیر توحیدی؛ اخلاق زیستی؛ اسلام

## مقدمه

واژه نوترکیب «Bioethics» متشکل از دو ریشه یونانی «bio» به معنای زندگی، حیات و زیست و «ethics» به معنای اخلاقی، برای اولین بار در گفتارهای چاپ شده در ۱۹۷۰ توسط Potter زیست‌شناس آمریکایی، در معنای «علم بقا» به کار برده شده است. به گفته Potter، اخلاق زیستی رشته‌ای است که دانش زیست‌شناسی را با دانش نظام ارزش‌های انسانی ترکیب می‌کند تا پلی میان علوم تجربی و انسانی بسازد که به انسانیت برای بقا، تداوم و بهبود وضع جهان متمدن کمک کند (۱). اصطلاح اخلاق زیستی مدتی کوتاه پس از Potter، توسط یک فیزیولوژیست دانمارکی به نام Hellegers به کار رفت. او و همکارانش این اصطلاح را در مورد اخلاق پزشکی و اخلاق پژوهش‌های زیست پزشکی به کار بردند (۲). گستره اخلاق زیستی علاوه بر گیاهان و حیوانات، موضوعاتی همچون سقط جنین، جایگزینی، پیوند اعضا، قتل ترحم‌آمیز، شبیه‌سازی انسان و دستکاری‌های ژنتیک در گیاهان و حیوانات و پژوهش‌های زیست‌پزشکی را دربر می‌گیرد. آنچه زمینه‌ساز رویکرد جدید و توجه به اخلاق زیستی در متن جوامع شد، احساس تعهد به تلاش برای رفع عوامل محیطی و اجتماعی بود که به نحوی در سلامتی افراد مؤثر است، خواه این عوامل مربوط به زندگی باشد، مانند رژیم غذایی ناسالم، سیگارکشیدن، ورزش نکردن، آلودگی محیط زیست و سایر خطرات زیست‌محیطی و خواه مربوط به مسائل سیاسی و بحث‌برانگیزتر، مانند فقر، بیکاری، جنایت و رفاه در اشکال گوناگون آن باشد (۳).

اخلاق زیستی از منظر اسلام به شکل تنگاتنگ با آموزه‌های گسترده اخلاقی قرآنی و سنت پیامبر (ص) و در نتیجه با نوعی تفسیر از شریعت اسلامی مرتبط است. تأملات اخلاق زیستی از خود دین جدایی‌ناپذیر است؛ دینی که بر پیوستگی بین جسم و روح و حوزه‌های مادی و روحانی و نیز اخلاق و حقوق تأکید دارد. قرآن و سنت پیامبر (ص) حاوی اصول راهنمایی‌کننده مشروح و مشخصی در موضوعات مختلف پزشکی از جمله رشد جنین انسان، قتل ترحم‌آمیز (Euthanasia) و... دارد که به طور مشخص نشان از اهمیت

اخلاق زیستی در زندگی انسان است (۴). مطالعه حاضر با هدف بررسی مبانی اخلاق زیستی در ادیان توحیدی و غیر توحیدی و نیز وجوه افتراق و اشتراک در این زمینه انجام شده است.

## مواد و روش‌ها

این مطالعه تطبیقی به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است. پس از جستجوی هدفمند منابع به دو روش دستی و الکترونیک، وجوه اشتراک و افتراق ادیان توحیدی و غیر توحیدی در حوزه مسائل اخلاق زیستی مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفت.

## ملاحظات اخلاقی

صداقت، دقت و امانت در گزارش و ارجاع به متون در تمام فرآیند پژوهش رعایت گردید.

## یافته‌ها

## ۱- اخلاق زیستی در ساحت اخلاق کاربردی

اخلاق زیستی به عنوان شاخه‌ای جدید از اخلاق هنجاری کاربردی به تبیین پاسخ‌ها و راهبردهای اساسی در مواجهه با پرسش‌ها و چالش‌های ناشی از ظهور و بروز فناوری‌های نوین زیست پزشکی می‌پردازد. اخلاق زیستی به مثابه نقطه تلاقی و تقاطع علوم و دانش‌های گوناگون همچون علوم زیست‌شناسی، ژنتیک و پزشکی، علم اخلاق و فلسفه آن، الهیات، فلسفه و متافیزیک، سیاست، جامعه‌شناسی، فقه و پژوهش‌ها و علایق دینی و مذهبی تلقی می‌گردد (۲).

۱-۱- اخلاق زیستی در مفهوم عام: اخلاق زیستی در مفهوم عام، به مسائل و چالش‌های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای اشاره دارد که به طور عام از علوم زیستی منشأ می‌گیرند و به طور مستقیم یا غیر مستقیم با بهزیستی و بقای حیات انسان ارتباط دارند (۵). در این تصویر از مفهوم اخلاق زیستی، قلمرو آن تا آنجا امتداد می‌یابد که به حفظ زیست کره زمین و بقای انسان و بهبود کیفیت زندگی و حیات وی مرتبط باشد. Potter به چنین رهیافتی از اخلاق زیستی متمایل است؛ وی اخلاق زیستی را در معنای عام «علم بقا» و

به عنوان «رشته‌ای که دانش زیست‌شناسی را با دانش نظام ارزش‌های اخلاقی انسانی ترکیب می‌کند»، به کار می‌برد (۱).

## ۱-۲- اخلاق زیستی در معنای خاص: این معنا، مترادف

با اخلاق پزشکی انگاشته می‌شود و عموماً به همه مشکلات و مسائل گوناگون و پیچیده اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و حتی گاه اقتصادی مرتبط با موضوعات پزشکی اشاره دارد. موضوعاتی چون رابطه پزشک و بیمار، چگونگی تخصیص برابر و عادلانه امکانات بهداشتی و درمانی میان نیازمندان، رضایت آگاهانه آزمودنی‌های انسانی نسبت به پژوهش‌های پزشکی، سقط جنین، ترحم‌کشی، رحم جایگزین و... همگی از محورهای عمده و اساسی اخلاق زیستی در این رویکرد به حساب می‌آیند. Hellegers چنین رویکردی را نسبت به اصطلاح اخلاق زیستی مورد پذیرش قرار داده بود (۲).

تعریف برگزیده اخلاق زیستی این است که اخلاق زیستی دانشی است که به بررسی چالش‌های اخلاقی ناشی از به کارگیری فناوری‌های نوین زیستی همچون شبیه‌سازی انسانی و سلول‌های بنیادی، دست‌کاری‌ها و مهندسی ژنتیک می‌پردازد (۲).

## ۲- اخلاق زیستی از منظر ادیان توحیدی

### ۲-۱- اخلاق زیستی از منظر یهود: اخلاق زیستی در

دین یهود، مانند سایر ادیان موضوعی نسبتاً جدید است. هر دین و آیین به همراه خود در طی قرون و ادوار تاریخی هنجارها و قواعد خاصی به ارمغان آورده، به نحوی که هر یک بر عرصه‌های گوناگون زندگی بشر حاکم گشته است. طی نیمه دوم قرن بیستم میلادی، پیشرفت‌های گسترده و تحولات روزافزون خصوصاً در حوزه زیست‌فناوری باعث شده تا موضوع بازنگری در قواعدی که ریشه در سنت‌ها داشته و تدوین موارد جدید به یک نیاز جدی مبدل شود. دین یهود نیز از این رخداد فرهنگی مستثنا نبوده و با توجه به نقش فزاینده تعاملات بین فرهنگی در زیست‌فناوری در سال‌های اخیر، علمای یهود به جنبه‌های مورد نیاز و کاربردی موجود در قواعد دین یهود و حتی مواردی جدید که بی‌سابقه بوده است، پی برده و به آن‌ها اشاره داشته‌اند (۵).

مطابق تلمود، سقط جنین جرم است، اما مجازات قصاص در پی ندارد. گاه برای این کار مجازات تازیانه در نظر گرفته می‌شد. در آموزه‌های اخلاقی و عرفانی یهود، سقط جنین توهین به عمل آفرینش خداست. در صورتی که جنین، جان مادر را به خطر اندازد، می‌توان آن را سقط کرد. برخی از خاخام‌های یهودی نیز در صورتی بارداری از زنا، سقط جنین را اجازه می‌دهند. از موارد جواز از بین بردن جنین، جایی است که زن باردار، به مجازات اعدام محکوم شده است (۶).

هرچند مباحث اخلاق پزشکی از دیرباز در منابع مورد توجه بوده است، فناوری‌های مدرن پزشکی چالش‌های جدیدی را فراروی مفسران آیین یهود قرار داده است. شوق و اشتیاق مربوط به این بحث، باعث شده که حوزه اخلاق زیستی از منظر یهود از اوایل دهه ۱۹۶۰ شکل بگیرد. تفحص و جستجو پیرامون آن بر اساس اصول موجود در کتب مقدس و تفاسیر دین یهود و همسو با اخلاق عمومی یهودی می‌باشد. اخلاق زیستی یهود بیشتر رویکردی وظیفه‌گرا دارد که متفاوت با برخی دیدگاه‌های اخلاق سکولار معاصر که رویکردی حق‌گرا دارد، محسوب می‌شود (۵).

سؤالات اخلاق زیستی توسط علمای یهودی از طریق مختلف که بازتابی از جهت‌گیری‌های گوناگون به یهودیت و میزان پایبندی به تفسیر متن «تلمود» می‌باشد، قابل حل و فصل و پاسخ‌گویی است. کارهای اولیه در اخلاق زیستی معاصر یهود مربوط به سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ و نشأت‌گرفته از یهودیت ارتودکس بوده که در آن اقتدار حاکمیت خداوند آنطور که در تورات و تلمود به نمایش گذاشته است، زیربنای تمام فرایندهای تصمیم‌گیری و مشورتی بوده است.

### ۲-۲- اخلاق زیستی از منظر مسیحیت: مسیحیت به

طور کلی به سه گرایش بزرگ تقسیم شده است که عبارتند از: Catholic، Protestant و Orthodox. از آنجایی که مذهب کاتولیک از حیث قدمت و میزان طرفداران از اهمیت بیشتری برخوردار است، در این پژوهش اخلاق زیستی از منظر مذهب کاتولیک مورد مطالعه قرار می‌گیرد. از دیرباز اخلاقیات زیستی در آموزه‌های مذهب کاتولیک وجود داشته است. از نوشته‌های آگوستین درباره خودکشی در قرون وسطی گرفته تا مباحثی

چیز از او به وجود آمده است. به اعتقاد او: تمامیت اولوهیت در وی (مسیح) قرار دارد (۷).

از منظر تعالیم اسلامی معرفت اکتناهی ذات خداوند برای انسان غیر ممکن است، زیرا او نامحدود است و ما محدود؛ او خالق است و ما مخلوق، ولی شناخت اسما و صفات خداوند نه تنها ممکن و مطلوب است، بلکه غایت و هدفی که در خلقت برای ما ترسیم شده، همین معرفت خداوند است (۸).

قرآن، خدا را چنین معرفی می‌کند: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ اوست ازلی و ابدی، (دلایل وجود او) ظاهر و روشن، (کنه حقیقت او) پنهان، او به تمام چیزها داناست» (۱۰-۹). قرآن کریم در سوره اعراف آیه ۱۸۰ خداوند را واجد همه اسمای حسنی می‌داند «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»، زیرا که همه صفات کمالیه در خداوند به شکل عینیت حاصل است و او فاقد هیچ کمالی نیست (۹).

نکته دیگری که از این آیه شریفه به دست می‌آید، این است که همه اسمای حسنی انحصاراً از آن خداوند است و هیچ موجود دیگری واجد آن نیست. حقیقت علم و قدرت و رحمت و... فقط برای خداوند است و همه موجودات دیگر فقط نمودی از اسمای حسنی نه واجد اسمای حسنی.

### ۲-۳- اصل تقدس حیات و مذموم بودن قتل ترحم‌آمیز:

این اصل به طور مستقیم در منابع رسمی یهودی مشاهده نمی‌شود، اما از سایر موارد قابل استنباط است. به عنوان مثال «هر کس جان یک فرد را نجات دهد، مانند آن است که جان تمام مردم جهان را نجات داده است.» در اخلاق زیستی این اصل در مواردی همچون تصمیم‌گیری درباره ادامه یا عدم ادامه تلاش، برای نجات جان افرادِ شدیداً بیمار یا کودکان ناقص‌الخلقه‌ای که امکان زندگی ندارند و همچنین مبحث اتانازی کاربرد دارد (۵).

در اصول اخلاقیات زیستی مذهب کاتولیک هم اصل تقدس حیات، مطرح است. این به معنای ارزش حیات آدمی به عنوان مخلوق خداوند است. انسان مالک حیات خود نیست و تنها نقش امانت‌دار را ایفا می‌کند و اختیاری در این زمینه ندارد (۱۱). بر اساس اصول اخلاقیات زیستی کاتولیک، جنین در تمام مراحل دارای حق حیات انسانی است. کتاب مقدس

که پاپ در مورد قتل ترحم‌آمیز و تکنولوژی باروری و کمک باروری گفته است، دلالت بر این موضوع دارد. ریشه اخلاقیات زیستی شامل مواردی است که می‌توان آن‌ها را در نسخ و نوشته‌های پزشکان کلیسا، دستورها و نظرات پاپ، بازتاب نظرات دانشمندان، فلاسفه و اندیشمندان علم الهیات کاتولیکی یافت. طبق تفسیرهای نوشته شده و مباحث فلسفی موجود، اخلاقیات زیستی در مذهب کاتولیک، ریشه در دین و منطق دارد (۵).

### ۳-۲- اخلاق زیستی از منظر اسلام: اخلاق زیستی از

منظر اسلام، رابطه‌ای تنگاتنگ با آموزه‌های گسترده اخلاقی موجود در قرآن و سنت دارد. گزاره‌های اخلاقی در علوم زیستی جدای از مبانی حاصل از آموزه‌های شریعت نظیر ارتباط میان جسم و روح، ابعاد مادی و معنوی انسان، کرامت ذاتی و متعالی انسان قابل بررسی نیست (۵).

### ۳- وجوه اشتراک ادیان توحیدی در حوزه اخلاق زیستی

#### ۱-۳- اصل آفرینش الهی: تمامی حکمای یهود در طول

تاریخ تأکید داشته‌اند که اولین اصل در دین یهود این است که خداوند آفریننده و رب عالم است که نظم ابدی و طبیعت را حفظ می‌کند. خداوند تنها مالک مطلق بوده و در اصل، تمام جان‌ها متعلق به اوست. این موضوع در مباحث حق ممنوعیت انجام سقط جنین و اتانازی نمود بیشتری دارد. مهم‌ترین مسأله‌ای که در مسیحیت درباره خداگونگی انسان مورد توجه اندیشمندان و متون دینی مسیحیت قرار گرفته، مسأله اولوهیت مسیح است. به اعتقاد مسیحیان، حضرت عیسی (ع) به عنوان خدای متجسد دارای صورتی بشری است. مسأله تجسد خدا و اولوهیت مسیح در مسیحیت، دارای ساختار پیچیده‌ای است که نمی‌توان به آسانی آن را تبیین نمود. در واقع، این باور در مسیحیتی محقق شد که با مسیحیت عیسوی فاصله زیادی دارد و به عبارت دقیق‌تر، جزء باورهای است که در مسیحیت پولسی شکل گرفته است. پولس نخستین کسی بود که پایه‌های اولوهیت حضرت عیسی (ع) را در میان مردم پی‌ریزی نمود. ادعای اولوهیت مسیح در برخی از انجیل‌ها نیز آمده است. او می‌گفت: مسیح نجات‌دهنده، خداست؛ موجودی که پیش از هر کس و هر چیز بوده و همه

### ۳- رحم جایگزین

در یهودیت تولید مثل و تزايد نسل جزء فرامین الهی به شمار می‌آید. عده‌ای از خاخام‌های یهودی معتقدند که انسان بر اساس دستورات الهی موظف به گسترش نسل بشری و حفظ سلامت خود و هم‌نوعان خود به هر طریق ممکن است. بنابراین درمان نازایی به عنوان یک بیماری را اطاعت از اوامر الهی دانسته و پزشکان را عامل چهارم در خلقت انسان می‌دانند. از نظر دین یهود لقاح در طول قاعدگی و اندکی بعد از آن ممنوع است و این امر را به تلقیح خارج رحمی نیز تعمیم داده‌اند (۱۴). کاربرد اسپرم مردی غیر از شوهر، از نظر اغلب خاخام‌های یهود به دلیل احتمال زنا با محارم در آینده تباهی نسب و مسائل مربوط به ارث مورد قبول نیست. برخی از آن‌ها تخمک‌های اهدایی را نیز منع کرده‌اند، زیرا از بروز آشفستگی در دنیا نگران هستند (۱۵).

کلیسای کاتولیک روم و کلیسای انگلیس با کاربرد هیچ یک از فنون کمکی تولید مثل موافق نیستند. در تعالیم کاتولیک جداساختن تولید مثل از رابطه عاشقانه بین زن و شوهر مجاز نیست. کلیسای کاتولیک به دلیل اعتقاد به وحدت شریک جنسی با اهدای گامت مخالف است، مقاربت جنسی بدون آزادی برای تولید مثل را صحیح نمی‌داند. از این رو با کاربرد وسایل پیشگیری از بارداری مخالف است با تولید مثل بدون ارتباط جنسی هم مخالف است. در نتیجه استفاده از رحم جایگزین از دیدگاه کلیسای کاتولیک به دلایل زیر مجاز نیست:

- ۱- ورود شخص سوم به زندگی زناشویی؛
- ۲- اشتباه دانستن تولید مثل بدون ارتباط جنسی طبیعی. (کتاب مقدس) (۱۶).

در اسلام احکام تلقیح مصنوعی باید در سه فرض متمایز بررسی شود:

- ۱- تلقیح میان زن و شوهر و حمل آن توسط صاحب تخمک؛
- ۲- تلقیح میان زن و شوهر و حمل آن توسط مادر جایگزین؛
- ۳- تلقیح میان زن و مرد بیگانه.

تلقیح نوع اول به نظر مشهور فقها، درست است. در تلقیح نوع دوم مادر جانشین می‌تواند همسر دوم (حتی با عقد

به طور واضح بیان می‌دارد: «شما نباید مرتکب قتل شوید، هم‌نوعانتان را نکشید، آن‌ها را مثل خودتان دوست بدارید.» پاپ ژان پل دوم می‌گوید: فقط خداوند نیرو و توانایی تصرف در زندگی و مرگ را دارد. مذهب کاتولیک در اعلامیه‌های رسمی خود، شدیداً با قتل ترحم‌آمیز مخالف است، چه داوطلبانه و چه غیر داوطلبانه. با این حال اخلاقیات کاتولیک اجازه رخ دادن مرگ بدون دخالت پزشک را داده است. مهم‌ترین اعلامیه رسمی کاتولیک‌ها، اعلامیه ۱۹۸۰ در باره قتل ترحم‌آمیز است. این سیاست به طور محدود با قتل ترحم‌آمیز غیر فعال موافق است (۱۲).

در اسلام ارزش حیات به زیبایی هر چه تمام‌تر بیان شده است. آنجا که قرآن در سوره آل عمران آیه ۱۵۶ می‌فرماید: «وَاللَّهُ يَخْتِي وَيُحْيِي؛ خدا [است که] زنده می‌کند و می‌میراند»، (۹-۱۰). حیات انسان هرگز نباید در آغاز و انجام، دستکاری شود. تولید مثل باید در زمینه و بافتی مشروع و در خانواده مستحکم انجام گیرد. جنایت، سقط جنین، قتل نجات‌بخش و خودکشی، فقدان احترام به حیات انسانی را می‌نمایانند. و از نظرگاه اخلاق زیستی در اسلام نادرست است. قرآن در سوره دخان آیه ۸ می‌فرماید: «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ؛ خدایی جز او نیست، او زندگی می‌بخشد و می‌میراند» (۹-۱۰). اسلام سقط جنین را ممنوع می‌داند. سقط جنین به ویژه پس از دمیده شدن روح، گونه‌ای نسل‌کشی است و این‌که قرآن کشتن کودکان را محکوم کرده است نیز آن را شامل می‌شود، مانند سوره اسراء آیه ۳۱: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا؛ و از ترس فقر فرزندان خود را نکشید، ما به آن‌ها و شما روزی می‌بخشیم، آری کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است» (۹-۱۰).

اسلام با قتل نجات‌بخش یا کشتن از روی ترحم مخالف است. امام (ره) می‌فرماید: هر اقدامی برای سرعت‌بخشیدن به مرگ کسی یک جنایت است. آیت‌ا... مکارم شیرازی معتقد است: «کشتن یک انسان حتی از سر ترحم (قتل نجات‌بخش یا رضایت خود بیمار)، مجاز نیست» (۱۳).

نتیجه دوگانه، سقط جنین را از نظر اخلاقی صحیح می‌دانند (۲۰).

ارزش انسان در نزد خداوند متعال به حدی است که اگر کسی جان انسانی را بگیرد، جانی در مقابل آن باید داده شود و این یعنی شدیدترین مجازات و این در حالی است که قتل نفس آن هم از نوع عمدی هیچ توجیهی ندارد و از بزرگ‌ترین گناهان در همه ادیان الهی محسوب می‌شود، چنانکه خداوند متعال در سوره ممتحنه آیه ۱۲ در این رابطه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْتَصِبْنَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ ای پیامبر چون زنان باایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بچه‌های حرام‌زاده پیش دست و پای خود را با بهتان [و حيله] به شوهر نبندند و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه، زیرا خداوند آمرزنده مهربان است» (۹-۱۰).

در این آیه، خداوند متعال مستقیماً دستور می‌دهد که زنان مؤمن و کسانی که ایمان آورده‌اند، نباید فرزندان خود را بکشند، متأسفانه این روزها مادران زیادی هستند که بدون توجه به خواست و اراده الهی مبادرت به سقط جنین و قتل فرزندان خود می‌کنند. نتیجه این که سقط جنین حرام است و علاوه بر قرآن، و روایات، همه فقیهان مسلمان اعم از شیعه و اهل سنت، سقط جنین را حرام می‌دانند و از نظر قانونی نیز این کار جرم محسوب می‌شود. همچنین سقط جنین کفاره دارد. اگر در جنین روح دمیده باشد و او را سقط کنند، دیه او به اندازه دیه یک انسان کامل است. همچنین جنین در چهل روز اول نطفه بوده و دیه آن بیست دینار (مطابق با ۱۵ مثقال طلای متعارف) و چهل روز بعد علقه بوده و دیه آن چهل دینار و چهل روز بعد مضعه بوده و دیه آن شصت دینار است (۲۱). فقه‌های شیعه در مسأله سقط جنین درمانی دو حالت برای این فرض متصور شده‌اند. حالت اول، ادامه بارداری جان مادر و جنین را به خطر می‌اندازد، بر اساس اصالت این موضوع که

موقت) یا زن بیگانه باشد که بسیاری از فقه‌های اهل سنت و شیعه حالت نخست را جایز می‌دانند و با حالت دوم مخالفت شدید نموده‌اند. برای انتقال جنین به رحم زن جانشین، رضایت صاحبان اسپرم و تخمک و نیز اجازه صاحب رحم و شوهر او از نظر شرعی لازم است. تلقیح نوع سوم به سبب دخالت عامل بیگانه در انعقاد نطفه، مورد بحث و انتقاد جدی است (۱۵).

#### ۴- سقط جنین

بر اساس قانون جزای دولت اسرائیل سال ۱۹۳۶، سقط جنین و اقدام به آن جرم است و مجازات آن، حبس ابد است. اگر اقدام به سقط جنین غیر قانونی، باعث مرگ مادر شود، این عمل قتل غیر عمد بوده و مجازات آن حداکثر حبس ابد است. علمای یهود، سقط جنین را از این نظر که هم نابودی جسم یک روح محسوب شده و هم تباهی یک نسل از انسان‌ها را به دنبال دارد، گناه شرعی و مستوجب عذاب می‌دانند. در کتاب تلمود و کتب فقهی یهود، سقط جنین را در شرایطی که جان مادر به خطر افتد، مجاز دانسته است، حتی برخی علمای یهود نیز حکم جواز سقط جنین حاصل از ارتباط نامشروع، حاملگی در خردسالی، احتمال معلولیت شدید و... را صادر کرده‌اند (۱۷).

در دین مسیحیت سقط جنین محکوم شناخته شده است. در کلیسای کاتولیک جنین از همان لحظه انعقاد نطفه، انسان کامل محسوب می‌شود و همانند همه انسان‌ها حق حیات دارد. «پاپ پیوس نهم» در سال ۱۹۶۹ تفکیک بین جنین دارای روح و بدون روح را منتفی دانست، و سقط جنین در مراحل اولیه را ممنوع اعلام نمود (۱۸). در تعالیم کلیسای رم، سقط جنین گناهی بزرگ است که مجازات شرعی طرد را در پی دارد. این مجازات به طور قهری و خودکار و بدون نیاز به حکم، منوط به شرایط مقرر در قانون شرع، اعمال می‌شود (۱۹).

در مواردی که بارداری باعث خطر جدی برای زندگی مادر شود و خطر مرگ او را تهدید کند یا این که به علتی ضروری نظیر بارداری در لوله‌های رحم، مجبور به عمل جراحی شوند که پیامد چنین اعمالی، سقط جنین باشد، بر اساس قاعده

اخلاقی، یعنی اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک نه تنها موجب بهره‌مندی از زندگی خوب، سالم، بانشاط و شادمانه است، بلکه سبب فزونی نعمت و برکت و وصول به حق و حقیقت است. سه اصل دیگری که در این آیین پیشنهاد شده است، توجه به خدا، کوشش برای کسب دانش و معرفت و نیز پیروی از دانایان و خردمندان و نیکان است. از آنچه گفته شد، دایره‌ای پدید می‌آید که می‌توان آن را دایره کمال خواند (۲۵).

**۲-۵- سقط جنین و سنت زرتشت:** سقط جنین در آموزه‌های سنت کهن زرتشتی مردود و ناروا شمرده شده است، زیرا این عمل هم کشتن آگاهانه است و هم باعث آلودگی با نسا (مردار) می‌شود (۲۷). از چشم‌انداز دین زرتشت، عمل سقط جنین میان دو حد نوسان دارد: یا موجودی ذاتاً اهورایی از میان رفته است، یا موجودی که می‌تواند بنا به سرشت، اهورایی‌تر هم بگردد، کشته شده است و معلوم است که هر دو محکوم و ناپسند هستند (۲۸).

در سنت دینی مبتنی بر «اوستای نو»، انجام عمل سقط جنین، به هیچ بهانه‌ای روا یا قابل چشم‌پوشی نیست: «اگر مردی با دختری دوشیزه یا بانویی جوان - خواه آن دختر یا بانو، وابسته به سالار خانواده باشد یا نه، خواه به شوهر داده شده باشد یا نه - هم‌خوابگی کند و آن دختر یا بانو از او آبستن شود، نباید از شرم مردم، نطفه را فاسد و خراب کند. این دختر هرگاه از شرم مردم نطفه خود را فاسد و خراب سازد، پدر و مادر وی مسؤول و گناهکار خواهند بود، گناه قتل کودک، میان پدر و مادر تقسیم می‌شود. این پدر و مادر در برابر چنین قتل، به کیفر بدورشت گرفتار می‌شوند» (۲۸). عمل سقط جنین به هیچ بهانه‌ای روا یا قابل چشم‌پوشی نیست (۲۹). در سنت دینی مبتنی بر اوستای نو، درجه مخالفت با انجام عمل سقط جنین به پایه‌ای است که این عمل را با قتل عمدی برابر دانسته، البته پدر و مادر و سقط‌کننده را به یک میزان مقصر قلمداد کرده است: «اگر آن زن از شرم مردم، میوه زندگی را در زهدان خویش نابود کند، گناه کشتن فرزند بر گردن او و پدر اوست و پادافره گناه کشتن آگاهانه بر هر دو آن رواست.» بر همین منوال، در

حداقل جان یک نفر را باید نجات داد، سقط جایز است؛ حالت دوم، ادامه بارداری تنها جان مادر را به خطر می‌اندازد. در این حالت، چون جان مادر بارزتر است، پس جنین قربانی می‌شود. در این شرایط دیه جنین نیز باید پرداخته شود. امام (ره) به صراحت فرمود: از بین بردن نطفه پس از انعقاد آن جایز نیست (۲۱).

## ۵- اخلاق زیستی از منظر ادیان غیر توحیدی

ادیان غیر توحیدی گستره‌ای وسیع از جغرافیای جهان را به خود اختصاص داده‌اند و به طور عمده شامل ادیان زرتشت، هندویسیسم، بودیسم و شینتویسیسم می‌باشند (۲۲). در این بخش مسائل اخلاق زیستی از منظر این ادیان توصیف می‌گردد.

**۱-۵- اخلاق زیستی از دیدگاه زرتشت:** اطلاع دقیقی پیرامون زمان پیدایش و ظهور زرتشت به عنوان پیامبر آیین مزدیسنی وجود ندارد. برخی از دانشمندان مانند هوسینگ در اصل وجود او تردید کرده و چون رستم و اسفندیار شخصیتی موهوم دانسته‌اند (۲۳). بعضی تاریخ‌ظهور او را ۶۰۰ و برخی تا ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد دانسته‌اند. قول مشهور آن است که او ۶۶۰ سال پیش از میلاد پا به جهان گذاشته و سی سال بعد دعوی نبوت کرده و به سال ۵۸۳ ق.م در آتشکده بلخ به دست تورانیان کشته شده است. محل تولد وی نیز مردد بین: ری، آذربایجان، افغانستان، فلسطین، خوارزم و فارس است (۲۴). همچنین در مورد این‌که واقعاً او پیامبری برگزیده از سوی خداست یا نه، اطلاع دقیقی در دست نیست و مسلمانان صرفاً به استناد منابع دینی خود - نه با اتکا به ادله تاریخی - با زرتشتیان همچون اهل کتاب رفتار نموده‌اند. بنابراین فارغ از برخورد اسلام و مسلمانان با پیروان زرتشت و آیین او؛ هیچ دلیلی بر اعتبار و بنیاد الهی آن وجود ندارد و حتی اعراب زیر سلطه ساسانیان نیز آنان را اهل کتاب نمی‌شناختند.

آموزش‌های اخلاقی زرتشت بر بنیاد «دوگانه‌گرایی» استوار است، البته منظور ثنویت نیست، بلکه اشاره‌ای به ستیزه ابدی میان «دومینو» در سامان آموزه اخلاقی گاهانی است (۲۶). در سروده‌های گاهانی، توجه ویژه‌ای به کسب نیکی‌های اخلاقی و پرهیز از زشتی‌ها شده است. مزین‌شدن به سه اصل بنیادین

وندیداد قاطعانه حکم شده است: «اگر مردی با دختری دوشیزه یا بانویی جوان - خواه آن دختر یا بانو وابسته به سالار خانواده باشد یا نه، خواه به شوهر داده شده باشد یا نه - هم‌خوابگی کند و آن دختر یا بانو از او آبستن شود، باید تا هنگامی که کودک زاده شود، از آن زن نگهداری کند» و جالب‌تر این‌که وندیداد تصریح می‌کند که اگر مرد از زنی که از او - حتی به ناروا یا به حرام - آبستن شده، به شایستگی نگهداری نکند و در نتیجه، به جنین‌گزندی برسد، گناه کشتن آگاهانه (قتل عمدی) متوجه مرد است. حرمت سقط جنین در آیین زرتشت، بیش از هر چیزی ناشی از لزوم پرهیز از آلودگی عمدی با مردار است که در سنت به صورت دیوی به نام «نسو» یا «نسا» تجسم می‌شده است: «بی‌درنگ پس از مرگ، همین که جان از تن جدا شود، دروج نسو به پیکر مگسی وزوزکنان. همه تن آلوده به آلائش‌ها، همچون پلیدترین خرفستران می‌آید و بر تن مرده می‌تازد» (۳۰).

در اندیشه زرتشت، زایش هر انسانی در ذات خود، تضعیف‌کننده بدی‌ها و پلیدی‌ها و کشته شدن هر انسان بی‌گناهی، موجب لطمه دیدن نیروهای اهورایی می‌گردد (۲۸). باید دانست که در آموزه‌های زرتشت، ماهه‌هایی از خردورزی هست که بر اساس آن می‌توان عمل سقط جنین را در شرایطی خاص، روا دانست و آن نیست، مگر هنگامی که دانش روز، بنا به مصالحی، چنان کاری را تجویز نماید.

**۳-۵- اخلاق زیستی از منظر هندویسیسم: هندویسیسم**  
یکی از کهن‌ترین ادیان زنده جهان است. آیین هندو، در قدیم دین برهمنی خوانده می‌شد که به برهما، خدای هندوان اشاره می‌کرد. این آیین گونه‌ای فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان نقش بزرگی داشته است (۲۴). آیین برهمنی سه طریق برای نجات انسان معرفی می‌کند:

۱-۳-۵- طریقه عمل: این طریقه که از قدیم نزد هندوان رایج بوده است، برای عوام معمول است. این روش در عین حال که سهل و قابل فهم است، بسیار سخت و جدی است. طریق عمل بدین معناست که سالک باید سعی کند که به

وسیله عمل و عبادت به منزل نجات دست یابد. این روش را آداب و قوانینی است که در مجموعه‌ای با نام «مانو» تدوین یافته است. مانو حدود ۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تنظیم شده و مجموعه‌ای شرایع و فقه هندوها تلقی می‌شود. در این کتاب آداب تولد، اسم‌گذاری، تغذیه، تراشیدن مو، بلوغ، ازدواج و تمام حدود طبقات اجتماعی بیان شده است. بر اساس مناسک کتاب مانو، زنان هم آداب خاص به خود دارند. به موجب قانون کتاب مانو، بر زن واجب است که با کمال خضوع به خدمت مرد قیام کند. دختر باید در زمان طفولیت برده پدر باشد و در جوانی مانند کنیزی در خدمت همسر خود باشد و اگر همسرش مُرد باید مطیع پسر ارشد باشد و بعد از مرگ همسر حق ازدواج با هیچ مردی را ندارد، حتی در برخی شهرهای هند این رسم غالب است که زن باید در مقابل شوهر سجده کند، پای او را ببوسد و نباید نام مرد دیگری را بر زبان خود جاری کند و اگر زنی بعد از مرگ شوهرش با مردی دیگر ازدواج کرد، روحش بعد از مفارقت، در رحم شغال جای می‌گیرد. زن خوب در اندیشه هندوها زن باوفایی است که همسر خود را مانند خدا پرستش کند (۳۱).

۲-۳-۵- طریقه علم: سبب اصلی تمام مسائل و شرور انسان جهل است. خطاهای اخلاقی منشأ اصلی شقاوت بشر نیست، بلکه خطاهای فکری تمام آلام انسان را در پی دارد. باید برق یقین در حالت استغراق و مراقبت جستن کند و قلب طالب مستعد به نور اشراق روشن گردد. این درخشش، همان مقصد نهایی است و جوکی باید برای وصول به این مرتبه ریاضات طولانی بکشد.

۳-۳-۵- طریقه بهکتی: روش بهکتی عبارت است از علاقه خالصانه و ایمان خاص به یکی از خدایان هندو. در این روش جوکی عشقی سوزان از خود بروز می‌دهد و نفسانیت خود را فدای خدای خویش می‌کند (۳۲).

Shinto یعنی طریقه خدایان، آیین باستانی ژاپن است. این آیین الهه خورشید به نام Amaterasu را نگهبان سرزمین اجدادی می‌داند و خاندان سلطنتی را از نسل این خدا و تجسم وی می‌شمارد.

آیین مهاییانای بودایی در حدود سال ۵۵۲ به ژاپن وارد شد و پس از برخورد با شینتو، سرانجام بسیاری از عناصر بودایی را به مذهب شینتو منتقل کرد. پرستش خدایان ملی و امپراطور، کرنش و قربانی برای مردگان و وطن پرستی از آداب این آیین است. نوعی فتوت به نام Bushido، یعنی طریقه دلاوران که تا اندازه‌ای از آیین زن الهام می‌گرفت، جوانمردی و مقاومت برای شرف را الزام می‌کرد. بر این اساس سربازان هنگام شکست، طی مراسمی با یک خنجر مخصوص که در سراسر عمر آن را همراه داشتند، شکم خود را پاره می‌کردند و شهید راه وطن می‌شدند. آیین شینتو نیز بارها نوسازی شده است و پرستش امپراطور از سال ۱۹۴۶ توسط خود وی منسوخ گردیده است. اکنون در ژاپن این آیین در کنار آیین بودا به حیات خود ادامه می‌دهد.

سرانجام، آیین بودا در ژاپن در قرن هشتم میلادی کاملاً رواج یافت و مقامات کشور آن را پذیرفتند. در آن زمان لازم شد که میان آیین بومی و قدیم شینتو از یکسو و آیین بیگانه و نورسیده بودایی از سوی دیگر تلفیقی صورت گیرد. در آن هنگام برخی از روحانیون بودایی اعلام کردند در مکاشفات خود دانسته‌اند که خدایان باستانی ژاپن در حقیقت هر کدام بودی ستو بوده‌اند و آنجا ظهور کرده‌اند. همچنین گفتند اماتراسو، یعنی خدای خورشید همان ظهور کامل بودا در کشور ژاپن بوده است. این مکتب را ریویو، یعنی شینتوی ترکیبی نامیدند و به تبلیغ آن پرداختند. بدین شیوه آیین شینتو نوسازی شد و احیا گردید (۲۴).

**۴-۵- دین رسمی:** حدود نه قرن بعد، در قرن هفدهم برخی از رهبران دینی گفتند خوب است آیین شینتوی قدیم احیا گردد و سرانجام در سال ۱۸۶۸ تحول تازه‌ای در حیات اجتماعی مردم ژاپن پیش آمد و با تردد مسافرانی از آمریکا به ژاپن، در این کشور به روی جهانگردان باز شد. چندی بعد امپراطور ژاپن شینتو را دین رسمی اعلام کرد و دستور داد نشانه‌های آیین بودا را از آن آیین بزدایند. این کار در آغاز با فشار انجام گرفت، زیرا مردم هنوز هم به آیین بودا ند بودند. سرانجام در قانون اساسی سال ۱۸۸۹ حق آزادی مطلق دین برای تمام مردم ژاپن به رسمیت شناخته شد، ولی دولت جانب

آیین شینتو را می‌گرفت. آیین دولتی شینتو تا سال ۱۹۴۵ که آمریکا ژاپن را بمباران اتمی کرد و این کشور به اشغال آمریکا درآمد، ادامه داشت و تعالیم آن به گونه‌ای بود که جوانان را در مقابل نفوذ تمدن غربی مقاوم می‌ساخت. از سال ۱۹۴۵ به بعد، انجام‌دادن مراسم این آیین اختیاری شده است (۲۴).

**۵-۵- آیین بودا:** آیین بودا، آیینی اخلاقی است که دغدغه‌های عملی دارد تا نظری. دغدغه بودا، رهایی انسان از رنج و نیل به مقام نیروانه است. مبانی اخلاقی آیین بودا، عبارتند از: چهار حقیقت شریف، به اضافه قانون کرمه و اصل تناسخ. همه انسان‌ها نمی‌توانند به غنای کامل اخلاقی برسند؛ یک فرد بودایی باید خود را از آز، کینه و فریب برهاند و در برخورد با دیگران، مهربان و غمخوار باشد. از دیدگاه بودا، شخص با رهایی از دل‌مشغولی‌های فردی، اجتماعی، خاموش کردن همه تمایلات و خواهش‌های نفسانی، از رنج و تولد مکرر در این جهان نجات می‌یابد و به آرامش و رستگاری ابدی می‌رسد. آیین بودا، منسوب به Buddha، لقب Siddhartha Gautama اولین و مشهورترین رهبر بوداییان است که در سال ۵۹۲ پیش از میلاد به دنیا آمد و در سال ۴۸۳ پیش از میلاد از دنیا رفت (۳۳).

#### ۶- اخلاق محیط زیست

یکی از اصول ده‌گانه تربیتی در آیین بودا، اصل پرهیز از آزار و کشتن جانداران و به تعبیر دیگر، اصل Ahimsa است. اصل اهیمنسا از اصول آیین هندوی کهن بود که وارد دو آیین بودا و جین شد، البته در آیین جین به صورت افراطی بر این اصل تأکید می‌شود. از نظر جین‌ها، کندن زمین برای کشاورزی حرام است، زیرا ممکن است سبب کشته‌شدن حشرات و کرم‌های درون زمین شود. همچنین استفاده از محصولات زیر زمین، مانند چغندر، هویج و سیب‌زمینی که کندن زمین را به همراه دارد، جایز نیست. پیروان این آیین، بیمارستان‌های بزرگی برای معالجه حیوانات اهلی و وحشی ساخته‌اند (۲۴).

از نگاه یک بودایی، طبیعت صرفاً متعلق به او نیست و او نمی‌تواند بر آن تسلط یابد و به آن تجاوز کند. انسان، فرزند طبیعت است، نه ارباب آن.

گونگون به یهودیت و میزان پابندی به تفسیر متن «تلمود» می‌باشد، قابل حل و فصل و پاسخگویی است. از دیرباز اخلاقیات زیستی در آموزه‌های مذهب کاتولیک وجود داشته است. از نوشته‌های آگوستین درباره خودکشی در قرون وسطی گرفته تا مباحثی که پاپ در مورد قتل ترحم‌آمیز و تکنولوژی باروری و کمک‌باروری گفته است، دلالت بر این موضوع دارد. ریشه اخلاقیات زیستی شامل مواردی است که می‌توان آن‌ها را در نسخ و نوشته‌های پزشکان کلیسا، دستورها و نظرات پاپ، بازتاب نظرات دانشمندان علم الهیات کاتولیکی یافت. اخلاق زیستی در اسلام رابطه‌ای تنگاتنگ با آموزه‌های گسترده اخلاقی موجود در قرآن و سنت دارد و بر اساس قاعده ملازمه عقل و شرع، برای استخراج مسائل و تصمیم‌گیری در آموزه‌های اخلاق زیستی، به عقل و اجماع نیز مراجعه می‌کنند. گزاره‌های اخلاقی در علوم زیستی فقط در سایه مبانی و آموزه‌های شریعت نظیر ارتباط میان جسم و روح، حوزه‌های مادی و معنوی انسان، کرامت ذاتی و متعالی انسان قابل بررسی است. در ادیان توحیدی قتل ترحم‌آمیز حرام است، زیرا انسان مالک حیات خود نیست و تنها نقش امانت‌دار را ایفا می‌کند. از نظر یهود و مسیحیت تلقیح خارج رحم ممنوع بوده، ولی از نظر اسلام احکام تلقیح مصنوعی دارای فروش سه‌گانه است. سقط جنین نیز در ادیان توحیدی به شدت محکوم شده است و منجر به مجازات خواهد شد.

درجه مخالفت با سقط جنین در آیین زرتشت (اوستای نو)، به حدی است که این عمل را با قتل عمد برابر دانسته‌اند و پدر، مادر و سقط‌کننده را به یک میزان مقصر قلمداد می‌کنند. از نگاه یک بودایی، طبیعت صرفاً متعلق به انسان نیست و او نمی‌تواند بر آن تسلط یابد و به آن تجاوز کند. انسان، فرزند طبیعت است، نه ارباب آن. در میان ادیان غیر توحیدی بررسی شده، هم اتفاق و هم اختلاف نظرهای متنوعی وجود دارد. به نظر می‌رسد ادیان غیر توحیدی در بسیاری از مبانی اخلاقی با یکدیگر مشترک هستند.

می‌توان گفت که وجوه تمایز اخلاق زیستی در ادیان توحیدی و غیر توحیدی ناشی از تفاوت در اعتقاد به منشأ و خالق هستی، تفاوت در نگرش به کلیت هستی و تفاوت در

تعالیم بودا، دیدگاهی احترام‌آمیز و غیر خشونت‌آمیز را نسبت به همه موجودات و با تأکید بیشتر، نسبت به درخت، توصیه می‌کند. هر یک از پیروان بودا باید هرچند سال یک بار، درختی را بنشانند و از آن مراقبت کند تا ریشه‌ای مطمئن بیابد (۳۴).

بوداییان به موجودات زنده احترام می‌گذارند. سنت خرید ماهی و پرندگان در قفس در جشن Wesak و آزاد کردن آن‌ها، نمونه‌ای از این احترام است. در زمان بودا، خوردن گوشت ممنوع نبود، ولی اعضای سنگه مجاز نبودند حیوانی را برای خوراک بکشند یا حتی پرورش دهند، زیرا این کار، مستلزم گرفتن جان و برخلاف اصل اهی‌مسا بود، اما می‌توانستند از گوشتی که اعضای خانواده به آن‌ها می‌دادند، بخورند، مشروط بر آنکه مشخصاً برای آن‌ها کشته نشده و تنها مازاد مصرف مردان خانواده باشد. بوداییان می‌کوشند اصل نگرفتن جان را رعایت کنند و کم‌ترین تعداد حیوانات لازم را برای تغذیه مردم بکشند. در متون بودایی، مانند Lankavatara Sutra آمده است یک بودای ستوه (بودای بالقوه) که همه موجودات را چون تنها فرزند خود می‌نگرد، نمی‌تواند در گوشت‌خواری افراط کند (۳۴). به همین جهت خوراک مناسب برای یک بودای ستوه، برنج، جو، گندم، کره، روغن، عسل و شکر است. بسیاری از بوداییان معتقدند اگر بتوان یک رژیم غذایی گیاهی کافی تهیه کرد، باید چنین کنند (۳۲). بنابراین آیین بودا به طبیعت و دیگر جانداران با دیده احترام می‌نگرد و می‌کوشد از تخریب آن جلوگیری کند.

## ۷- وجوه اشتراک و افتراق ادیان توحیدی و غیر توحیدی

در این بخش وجوه اشتراک و افتراق ادیان توحیدی و غیر توحیدی در حوزه اخلاق زیستی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این موارد به طور خلاصه در جدول ۲ آورده شده است.

حوزه اخلاق زیستی یهود از اوایل دهه ۱۹۶۰ شکل گرفت. تفحص و جستجو در اخلاق زیستی از منظر یهود بر اساس اصول موجود در کتب مقدس و تفاسیر دین یهود و همسو با اخلاق عمومی یهودی می‌باشد. سؤالات اخلاق زیستی توسط علمای یهودی از طرق مختلف که بازتابی از جهت‌گیری‌های

که از طرف وحی و سنت برطرف می‌شود. این مطالعه نشان می‌دهد، تصمیم‌گیری اخلاقی در مورد موضوعاتی نظیر سقط جنین، قتل ترحم‌آمیز و رحم‌جایگزین به اعتقادات مذهبی بیماران و فرهنگ جامعه پیوند خورده است.

نگاه به عالم مادی و قوانین حاکم بر آن و نیز تفاوت در نگرش به خلقت انسان، ابعاد وجودی انسان و زندگی پس از مرگ است (۳۵).

### نتیجه‌گیری

بین ادیان توحیدی و غیر توحیدی وجوه اشتراک و افتراق زیادی وجود دارد. از جمله این‌که هر کدام از آن‌ها عقل را به عنوان یک منبع مهم تشخیص پذیرفته‌اند، با این تفاوت که ادیان توحیدی عقل مبتنی بر وحی را ملاک تشخیص قرار می‌دهند و ادیان غیرتوحیدی، عقل را تنها منبع مستقل و معتبر در تشخیص روایی یا ناروایی اخلاق می‌دانند. از دیگر اشتراکات اخلاقی این ادیان، ارزشمند بودن راست‌گویی، وفاداری، مذموم بودن سقط جنین و قتل ترحم‌آمیز است که ریشه در فطرت واحد انسانی دارد. توجه به کرامت ذاتی انسان و حقوق بشر نیز این دو را بهم نزدیک می‌کند، اگرچه در برخی مصادیق با حقوق بشر دینی و اسلامی تفاوت‌هایی وجود دارد.

ادیان توحیدی مفاهیم و اوصاف اخلاقی را در قالب دین تعریف می‌کنند و بر این باورند که زندگی امانتی از سوی خدا است. بر همین اساس، این ادیان سقط جنین، خودکشی و قتل ترحم‌آمیز را مردود می‌دانند. بنابراین ضمن وجود اشتراکاتی در بین این ادیان در مباحث مربوط به اخلاقیات زیستی، می‌توان نتیجه گرفت که هر یک از این ادیان دارای نظام اخلاقی مستقلی هستند که باید به استخراج آن از متون مقدس همت گماشت. اخلاقیات زیستی در مذهب کاتولیک، ریشه در دین و منطق دارد. در آیین یهودیت، قانون و فقه یکی است و آنچه خاخام به عنوان فتوای فقهی می‌دهد، به قانون تبدیل می‌شود. از منظر فقه شیعی تنها راه‌هایی از معضل سقط جنین، خودکشی و قتل ترحم‌آمیز در جوامع، پایبندی انسان‌ها به راهکارهای قرآن کریم و شریعت اسلام است و دیدگاه‌های دیگر سبب گراییدن به افراط یا تفریط است. در اخلاق زیستی اسلامی، عقل تنها منشأ تولید معرفت اخلاقی نیست و اگرچه به اجمال می‌تواند معرفت اخلاقی تولید کند، اما برای کسب تفصیل آن به وحی نیاز دارد؛ نیازی

جدول ۱: وجوه اشتراک و افتراق در ادیان توحیدی

اصل آفرینش الهی	وجوه اشتراک
اصل تقدس حیات و مذموم بودن قتل ترحم‌آمیز	
موارد رحم جایگزین	
ممنوعیت سقط جنین	
هم خوانی آموزه‌ها با فطرت آدمی	وجوه افتراق
ریشه اخلاق زیستی در اسلام، بر اساس مبانی و آموزه‌های شریعت (قرآن و روایات) نظیر ارتباط جسم و روح و کرامت انسانی قابل بررسی است.	
ریشه اخلاق زیستی در مسیحیت را می‌توان در نَسْخ و نوشته‌های پزشکان کلیسا، دستورات پاپ و اندیشمندان علم کاتولیک یافت. محور اخلاق زیستی در یهودیت، بر مبنای تورات، شریعت و تکلیف این جهانی است.	

جدول ۲: وجوه اشتراک و افتراق ادیان توحیدی و غیر توحیدی

استفاده از عقل به عنوان منبع مهم در تشخیص (البته در میزان اعتبار بین آن‌ها اختلاف است)	وجوه اشتراک
ریشه در فطرت واحد انسانی دلیلی مهم برای اخلاقیات مشترک.	
توجه به ارزش‌های حقوق بشری (اگرچه در برخی مصادیق و گستره‌ها با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند).	
در قرآن، نابودی حق حیات به ناحق، برابر است با نابودی همه جامعه.	
در مسیحیت، جنین تفاوتی با انسان کامل ندارد، چون کشتن انسان بی‌گناه خطا است، سقط جنین نیز خطاست.	
سقط جنین در تورات و تلمود ممنوع اعلام شده است.	
سقط جنین در آموزه‌های کهن زرتشتی به تمامی مردود و ناروا شمرده است.	
یکی از اهداف اصلی حیات در هند، تولید مثل است. در طبقات کلاسیک هندو، سقط جنین جرم سنگینی محسوب می‌شود.	
در آیین بودا، اصل بر پرهیز از آزار و کشتن جانداران هست.	وجوه افتراق
تفاوت در جهان‌بینی و انسان‌شناسی ادیان توحیدی با ادیان غیرتوحیدی	
در ادیان توحیدی مفاهیم و اوصاف اخلاقی در قالب دین تعریف می‌شود ولی در ادیان غیرتوحیدی مستقل از دین.	
در ادیان غیرتوحیدی برای تعیین صدق و کذب گزاره‌ها، بجای رفتن به سراغ متون دینی، به عقل بشری مراجعه می‌کنند، البته بعضی‌ها هم به شهود و تجربه روی می‌آورند.	
علت ممنوعیت سقط جنین در ادیان توحیدی و غیرتوحیدی بر اساس موارد ذیل متفاوت است: ۱- نجات جان مادر؛ ۲- حفظ سلامت جسمی و روحی مادر؛ ۳- وقوع تجاوز یا زنا یا محارم؛ ۴- نقایص جنینی؛ ۵- شرایط خاص اقتصادی - اجتماعی؛ ۶- درخواست والدین.	
در اسلام، سقط جنین از مصادیق قتل نفس و مشمول دیه است.	
در مسیحیت، جنین تفاوتی با انسان کامل ندارد. در تعالیم کلیسای کاتولیک رم، مبادرت به سقط جنین گناهی بزرگ است که مجازات شرعی طرد را در پی دارد. فردی که مرتکب سقط جنین بدون مجوز کلیسا شده است، تکفیر می‌گردد و تا زمانی که توبه ننموده و با ادله لازم توسط یک اسقف مسیحی مشمول عفو نشود، مطرود محسوب می‌شود.	
در یهودیت، سقط جنین با قتل نفس یکی نیست، چون بر اساس تورات، آنچه در رحم گذاشته می‌شود، تا از آن بیرون نیاید، یک انسان محسوب نمی‌شود. سقط جنین، جرم محسوب می‌شود و مجازات آن حبس ابد است.	
در آموزه‌های زرتشت، سفارش به اصل خردورزی در تمامی امور است که بر اساس آن می‌توان عمل سقط جنین را در شرایطی خاص، روا دانست. علت حرمت سقط جنین، هم کشتن آگاهانه و هم آلودگی با مرداد می‌باشد. در صورت تأیید دانش روز، سقط جنین روا است.	
سخت‌گیری‌های قانونی علیه سقط جنین در هند، با هدف پیشگیری از سقط جنین غیر قانونی و غیر بهداشتی است. همچنین مقابله با برتری جنسیتی نوزادان در جامعه هند محسوب می‌شود. جریمه سقط جنین برای افراد تا هزار روپیه و مجازات پزشک ۲ تا ۷ سال زندان است.	

## References

1. Potter VR. Bioethics: Bridge to the Future princetnal. Prentice-Hall Pub: Engelwood Cliffs; 1971. p.38.
2. Rahbarpur MR. Bioethics conceptualization and its domain. *Bioethics Journal* 2011; 1(1): 13-48. [Persian]
3. Mohagheghdamad SM, Sashadina A, Abbasi M. Introduction of bioethics. 2nd ed. Tehran: Sina Cultural Law Institute; 2010. p.154-187. [Persian]
4. Abdullah S. Islamic bioethics. Translated by Mullah A. Tehran: Kheradnameh Hamshari; 2006. [Persian]
5. Khalajzadeh H, Seif M, Shahrivari A, Fadavi M, Abasi M. Bioethics with the point of Abrahamic Religion. *Bioethics Journal* 2011; 1(1): 69-101. [Persian]
6. Soheimani H. Abortion in Judaism. *Journal of Fertility and Infertility* 2005; 4(6): 362-368.[Persian]
7. Tabarsafar S, Godism - human in creation. *Journal of Wisdom Seasonal*; 2008; 17(132): 91-105. [Persian]
8. Dibaji SMA. God is in the will of man. *Journal of Religious Thought of Shiraz University* ; 2005; 16(3): 1-28.
9. The Holy Quran. Hdid: 3.
10. Tabatabaee SMH. Interpreting al-Mizan's Interpretation. Translated by Mousavi SMB. Qom: Islamic Publications Office: 1905. [Persian]
11. Basami M. Commiserated homicide in ethics and penal rights perspective. Tehran: Civil Cultural Intitude Sina; 2009. p.112-113. [Persian]
12. Ahmadi M, Meftah A. Right of life in monotheism religion. *Comparative Theology Quarterly* 2014; 3(6): 125-138.[Persian]
13. Karami KH. Euthanasia-Death without suffering pain. Tehran: Religion and Cultural Research Organization; 2002. p.217. [Persian]
14. Rosner F. Assisted reproduction: A Jewish Perspective. The Mount Sinai. *Journal of Medicine* 2001; 68(3): 219-223.
15. Amouyi M. Today's Medical Weekly. *Health Center* 2009; 12(780): 6-19. [Persian]
16. Dalirad M, HosseinAli M, Jaefarizade E. Moral and religious challenges about the superseded uterus. Study superseded uterus in medicine perspective. Tehran: Samt; 2008. p.216. [Persian]
17. Theophile M. Humoraye Laws. Translated by Abdi K. Tehran: Cultural Heritage Organization; 1997. p.38.
18. Hosseini SH. Judicial study of feticide in Australia by a short review based on freedom rights and its rules. Tehran: Samt; 2009. p.321. [Persian]
19. Sowle L. Dictionary of ethics, theology and society. New York: Routlege; 1997. p.29.
20. Childress JF. Christian Ethics, Medicine and Genetics. Edited by Gill R. England: The Cambridge Companion to Christian Ethics; 2001. p.263.
21. Khomeini SR. Tozihol masael epistle. Tehran: Ajae Cultural Publication Center; 1987. p.746. [Persian]
22. Ching J. Chinese religions. Translated by Arshadi HR. Tehran: Tehran: Center for the Recognition of Islam and Iran.; 2004. p.399.
23. Motahari M. Mutual Services of Islam and Iran. Tehran: Islamic Publishers Office; 1983. p.89. [Persian]
24. Tofighi J. Familiarity with great religions. Tehran: Samt; 2005. p.75-78. [Persian]
25. Pourdavood A. Yasna. Publishod under the Joint auspices of the Iranian zoroastrian anjuman and the Iran league Bombay; 1338. Hot.34-43.
26. Riazi Heravi S, Shamshiri B. Look at the anthropology of Zoroastrianism. *Journal of Quarterly Religion* 2014; 2(5): 119-135. [Persian]
27. Irach JS. Taraporewala. The Memorial Volume Bornbay. Adyar, Madras: Jain Pub Co; 1943.
28. Aaghaee SM. Miscarriage in Zoroaster religion. *Journal of Fertility and Infertility* 2005; 4(6): 349-361. [Persian]
29. Darmesteter J. Avesta, Vandidad. Translated by Javan M, Tehran: The world of books. 2005. [Persian]
31. Shayegan D. Religions and Philosophical Schools of India. Tehran: Amir Kabir; 1978. [Persian]
32. Nas J. Religions general History. Translated by Hekmat AA. Tehran: Scientific ans Cultural; 2013. p.70. [Persian]
33. Azadian M. Buddhist Ethics: Basics and Fields. *Journal of Mrifat Adyan* 2011; 2(2): 143-168. [Persian]
34. Monsky V, Mourgan p, Nesbiat N, Latton C, Shannon T, Mashogh A. Ethics in fix global religions. Translated by Vaghar MH. Tehran: Etelaat Publication; 2014. p.22. [Persian]
35. Abbasi M, Shamsi Gooshki E. Islamic Bioethics and Secular Bioethics and Interaction between them. *Journal of Bioethics and Health Law* 2011; 1(1): 103-137.